

بررسی همکاری والدین با مدرسه در رفع مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان در مدارس ابتدائی

حسین فلاوند

کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فرم آباد

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی همکاری والدین با مدرسه در رفع مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان در مدارس ابتدائی می باشد. در این پژوهش تاثیر همکاری والدین و نیز تاثیر کلاسهای آموزش خانواده در میزان همکاری آنان با مدارس مورد نظر است و بررسی بیشتر در مورد لزوم تشکیل کلاسهای آموزش خانواده و آشنا نمودن والدین به شیوه های تربیت فرزندان و در نتیجه ایجاد هماهنگی بیشتر بین دو نهاد خانواده و مدرسه می باشد. از آنجایی که مدرسه سازمانی است که مسئولیت اصلی تعلیم و تربیت فرزندان هر جامعه ای را بر عهده دارد و زندگی در جامعه کنونی بدون تعلیم و تربیت عمومی غیر ممکن می باشد و بخصوص اینکه پدران و مادران بدلیل مشغله فراوان و یا بدلیل اعتمادی که نسبت به مدارس احساس می کنند بیشترین مسئولیت را بر دوش مدرسه می اندازند. لذا مشکلات مدارس در این امر مهم صد چندان می شود تا آنجایی که حتی خانواده ها در بسیاری از موارد از فرزندان خود به مدارس شکایت می برند و از نحوه رفتار فرزندان خود گلایه می کنند.

کلیدواژه‌ها: مدیران مدارس . والدین . مشکلات تربیتی. دانش آموزان

مقدمه

پژوهش و کنجکاوی از تمایلات طبیعی بشر است و میل به شناخت و ارضاء آن حس موجب دست یافتن به مجهولات زیادی شده است. لذا پیشرفتهای چشمگیری در کلیه زمینه های علمی فعلی حاصل این حس سیری ناپذیر کسانی است که زندگی خود را وقف جامعه بشری کرده و می کند. توسعه و پیشرفت کشورهای غربی حاصل میزان اهمیتی است که این کشورها به تحقیق و پژوهش قائل هستند. در این دیار روح علمی همان شناختن و در یافتن عمیق روشها و شیوه هایی بوده است که بشر برای پیش بردن علم بکار بسته است. این امر نه تنها از نادانی و سرگردانیهای آنها کاسته بلکه موجب شده است که در برآورد حوادث دقیق تر و مستدل تر و در انجام امور مجهز تر و در یافتن مواد جدید با کیفیت بهتر موفق تر باشند. و اما نقص عمده در کشورهای نواحی، بی خبری از شیوه های شناختن و دانستن است. توجه سطحی به مسائل و برداشت عامیانه از آنها بدون آشنایی به مبانی علمی راههای صحیح، در این کشورها موجب ضلالت و گمراهی شده است. و این کشورها را در دور و تسلسل نادانی گرفتار نموده است. تحقیق حاضر بدین علت صورت گرفته است تا یکی از مشکلات عمده مدارس را که همچنان حل نشده باقی مانده است بررسی نموده و در صورت امکان روزه ای را در راه گشایش آن پیدا نماید.

و همانطور که می دانیم مدرسه به عنوان سازمانی که مسئولیت تربیت فرزندان جامعه را بر عهده دارد باید با روشنگری و روشن بینی علل و راههای حل مشکلات را شناسایی و با آنها به نحو تخصصی برخورد نماید. پس قبل از هر چیز عنایت کارگزاران و مسئولین آموزش و پرورش و نیز دولت جمهوری اسلامی ایران را در جهت تامین هزینه های این تحقیقات طلب می کند. زیرا مبارزه دشمن همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند مبارزه فرهنگی است. اگر ما در جنگ تحمیلی در مصرف سرمایه های کشور جهت حفظ کیان اسلام خود هیچ دریغی نداشتیم چرا امروز در شبیخون فرهنگی که از جنگ رو در رو بسیار خطرناکتر است از خرج کمترین سرمایه ها مضیقه کنیم؟ چرا ادارات آموزش و پرورش ما هیچگونه تحقیقی را در راه شناسایی مشکلات دانش آموزان انجام نداده است؟ چرا مسئولین تعلیم و تربیت هنوز نتوانسته اند همکاری جدی والدین را در رفع مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان و مدرسه جلب نمایند.

در تحقیقاتیکه به عناوین مختلف در رابطه با ایجاد اعتماد به نفس در کودکانی که والدین آنان بیشتر با مؤسسات آموزش و پرورش در تماس بوده اند. و میزان موفقیت آنان حتی در کودکانی که از نظر هوشی ضعیف بوده اند و تحقیقات بزرگانی چون فروبل و اینکه کودک در یک محیط غنی و سرشار می تواند علایق خود را از طریق تجربه آموزی و فعالیت شخصی رشد دهد. مشوقی بود که ما را به این تحقیق واداشت.

لذا مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان در مدارس و نیز تبلیغاتی که از طریق کانالهای تلویزیونی کشورهای همسایه بعنوان بوقهای تبلیغاتی غرب در جهت اشاعه بی بند و باری و فساد اخلاقی صورت می گیرد. و بعلاوه وارد کردن فیلمهای ویدیویی و عکسهای مبتذل که بطور وسیعی فکر کودکان و نوجوانان را مغشوش کرده و افکار ناصحیح را به آنها القا می کند ما را بر آن داشت که راهی را جويا شویم که بتوانیم حداقل از وسعت این مشکلات بکاهیم.

هدف از این تحقیق این است که با همکاری والدین بتوانیم در مدارس محیطی سالم و اسلامی را بوجود آوریم و با شناخت بیشتر دانش آموزان و ایجاد هماهنگی بین خانه و مدرسه در جهت رفع مشکلات آنان بکوشیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

صاحب نظران تعلیم و تربیت بر این عقیده اند که والدین با همکاری و کمک به معلمان در زمینه پیشرفت تحصیلی فرزندان خود می توانند بسیار مؤثر واقع شوند. این مسئله بخصوص در دوره ابتدایی بسیار حائز اهمیت است. تحقیقات متعدد نشان می دهد پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که والدین آنها افرادی آگاه و با سواد هستند و بهتر به راهنمایی آنها می پردازند بیشتر است. در تحقیقی که بوسیله (بی لتیل) و همکارانش (۱۹۷۳) انجام شده است، تفاوت دانش آموزان از لحاظ سن « سطح تحصیلات والدین و ثبات و پایداری خانوادگی آنها » مورد بررسی قرار گرفته است.

محققان به این نتیجه رسیده اند که والدین با سواد و خانواده با ثبات « کودکانی با پیشرفت تحصیلی بیشتر » دارند. تحقیق دیگری که توسط (الیزابت بنیک) در زمینه تاثیر روشهای تربیتی در رشد استعدادها و متفاوت عقلائی انجام شده است. نشان

می‌دهد مادرانی که از نظر کلامی قوی تر هستند و موقعیتهای بهتر یا محرکهای کلامی بیشتری برای فرزندان خود فراهم می‌کنند. مثلا به فرزندانشان فرصت می‌دهند که در بحثهای خانوادگی شرکت کنند و بندرت آنها را به دلیل ضعف تکلم تنبیه می‌کنند برای فرزندان خود کتاب داستان بیشتری می‌خرند و برای کمبود پیشرفت در مدرسه دانش آموزان را بطور سازنده مورد انتقاد قرار می‌دهند فرزندان آنها پیشرفت بیشتری دارند.

تحقیق دیگری در زمینه روشهای تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط (ریموند کتل) و (دیامن بارتن) (۱۹۷۲) انجام شده است. هدف این تحقیق بررسی این نکته بوده که آیا رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی کودکان موثر است یا نه؟ نتیجه کلی این بود که اولاً: رفتار والدین با فرزند در قدرتهای شناختی از جمله پیشرفت تحصیلی مؤثر است، این تاثیر در همه درسها وجود داشته است. ثانياً: سختگیری و محبت بیش از حد والدین به فرزندان موجب عقب ماندگی تحصیلی می‌شود. تحقیق دیگری که توسط (کلاس) و (سوزان کری) در سال ۱۹۶۸ درباره کودکان قبل از دبستان تا کلاسهای ابتدایی انجام شد، افراد مورد مطالعه ۶۲ کودک از خانواده های محروم یکی از شهرهای ایالت تنسی امریکا بودند.

گروه کنترل برای مطالعه نیز از یکی از شهرهای مشابه انتخاب شده بود. گروه آزمایش را به مدت ده هفته طی دوپا سه تابستان متوالی آزمایش کلاسی دادند. بعلاوه دیدارهایی با خانواده های کودکان در منازل آنان صورت گرفت که طی آن در زمینه کار با کودکان آموزشهایی بویژه به مادران داده شد.

این تجارب به منظور بوجود آمدن نگرشهای مثبت نسبت به پیشرفت تحصیلی و بالابردن تواناییهای هوشی کودکان ترتیب داده شده بود.

در پایان دوره نتایج تست هوشی حاکی از تغییر معنی‌دار بهره هوشی کودکان در کوتاه مدت بود. به هر حال نتایج تحقیق کری و همکارانش تغییرات موثری را در افراد مورد مطالعه نشان دادند و از آنجا که خانواده های کودکان تحت مطالعه نیز آموزشهایی را دریافت می‌کردند مسلماً در مجموع سودمندیهایی نیز برایشان وجود داشت.

پژوهشهای فوق الذکر گرچه دقیقاً با این پژوهش تطبیق نمی‌کند ولی از آنجا که درباره مشکلات کودکان و دانش آموزان از یکی طرف و تاثیر خانواده بر رفتار دانش آموزان و رفع مشکلات آنان در محیط های آموزش نمی‌باشد. وجه تشابهی را با این تحقیق در بردارند لذا بدین علت نمونه هایی را جهت نشان دادن اهمیت موضوع بیان کردیم. در زیر نمونه ای از تحقیق در رابطه با تاثیر عوامل روان شناختی محیط بر رشد فیزیکی ارائه می‌گردد. (ویدا و سون) (۱۹۵۱) که با کودکان چهارتا چهار ده ساله در دو مؤسسه آلمانی مخصوص نگهداری کودکان بی سرپرست کار می‌کرد متوجه شد که در طول شش ماه با وجود یکسانی مقدار و نوع تغذیه، افزایش وزن یک گروه از کودکان در مدت شش ماه تقریباً سه برابر گروه دیگر بوده است با تغییر و جابجایی مسئولین نظارت و کنترل دو مؤسسه این وضع معکوس شد. یعنی در پایان شش ماهه دوم افزایش مقدار غذای آنها نسبت به گروه دیگر کمبود وزن را داشتند. آنجا که تفاوتهای آشکار بین دو موقعیت نگهداری و نظارت معلول تدابیر و خط مشی های رفتاری سخت گیرانه بود و ویداوسون نتیجه گرفت که ترس کودکان و نحوه رفتار مربیان سبب اختلاف وزن و رشد آنها بوده است. (مفیدی، فرخنده، ۱۳۷۲، ص ۸) از نتایج این تحقیق چنین برمی آید که اگر چنانکه در محیط های آموزشی مدیران و مربیان با دانش آموزان رفتاری محبت آمیز داشته باشند می‌توانند محیطی جذاب و دلپذیر را برای آنان مهیا کنند و لذا این زمانی بهتر عمل می‌شود که شناخت بیشتری را نسبت دانش آموزان داشته باشند و اما شناخت کامل کودکان و نوجوانان بدون همکاری والدین کاری بس مشکل و حتی غیر ممکن است و نیز در تحقیقی که توسط (هارولد اسکینر ۱۹۶۶) بر روی ۱۳ کودک کمتر از سه سال که برای فرزند خواندگی مناسب تشخیص داده شده بودند انجام گردید پس از سی سال با نتایج تکان دهنده ای دنبال گردید..

روش پژوهش

آزمودنیها

در این تحقیق که در مورد بررسی نظر مدیران مدارس شهرستان خرم آباد در رابطه با میزان همکاری والدین با مدارس در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان می‌باشد تعداد ۴۰ نفر از مدیران شرکت نموده اند. انتخاب شرکت کنندگان بصورت

تصادفی وبدون توجه به مقطع تحصیلی انتخاب شده وهیچگونه اجبار واکراهی در شرکت در آزمون وجود نداشته است. در انتخاب مدیران این مدارس سعی شده است که از نقاط مختلف شهر باشند تا مسائلی چون فقر فرهنگی واقتصادی وغیره کمتر خطائی را در نتیجه تحقیق ایجاد نماید.

مدیران شرکت کننده (انتخاب شده) در سطح ابتدائی ۱ نفر دیپلم، ۱۶ نفر فوق دیپلم، ۲۱ نفر لیسانس و ۲ نفر فوق لیسانس می باشد.

جمع	زن		مرد		جنسیت، وضعیت تأهل
	متاهل	مجرد	متاهل	مجرد	مقطع تحصیلی
۴۰	۱۲	۲	۲۶	—	ابتدایی

جدول الف: مشخصات آزمودنیها از نظر جنسیت و وضعیت تأهل.

«طرح پژوهشی»

۴۰ نفر از مدیران که به طور تصادفی انتخاب شده اند توسط پرسشنامه مورد آزمون واقع می شوند، سپس با توجه به تعداد جوابهایی که به هرگزینه داده شده، هر سؤال بطور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس نتیجه نهایی استخراج می گردد. لذا چون تحقیق از نوع توصیفی می باشد آزمودنیها به گروههای مختلف تقسیم شده اند.

«ابزار اندازه گیری»

ابزار اندازه گیری در این تحقیق عبارتست از پرسشنامه ای که حاوی ۱۹ سؤال تستی، مرکب از ۱۶ سوال چهار جوابی و ۲ سؤال سه جوابی و یک سؤال بلی - خیر همراه با توضیح است.

یکی از سؤالات چهار جوابی نیز همراه با نظر خواهی از آزمودنیها می باشد. ودر پایان دو سؤال تشریحی نیز دارد که نظر شرکت کنندگان در آزمون خواسته شده است.

در مقدمه پرسشنامه یکسری اطلاعات در مورد مقطع تحصیلی، سنوات مدیریت مدرک تحصیلی، جنسیت، وضعیت تأهل وتعداد دانش آموزان مدرسه خواسته شده است.

«روش جمع آوری اطلاعات»

پرسشنامه تهیه شده در ۲۱ سؤال در اختیار ۴۰ نفر از مدیران مدارس قرار گرفت وپس از یک هفته جمع آوری گردید. آزمودنیها سؤالات را با علامت زدن سؤالات تستی جواب داده وبه سؤالات تشریحی نیز پاسخ داده اند کلیه مدیران شرکت کننده پرسشنامه های تکمیل شده را تحویل دادند ولی تعدادی از آنان به سؤالات تشریحی جواب ندادند که تعداد آنها ۹ نفر می باشد. در زیر وصفحات بعد شرح فعالیت آزمودنیها ارائه خواهد شد.

در مورد سؤال یک، نظر شما در مورد همکاری والدین با مدرسه در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان چیست؟ تعداد ۳۰ نفر یعنی ۷۵ درصد از شرکت کنندگان جواب کاملاً موافقم و ۱۰ نفر یعنی ۲۵ درصد دیگر گزینه موافقم را علامت زده اند که این موضوع بیانگر اهمیت تاثیر همکاری والدین دانش آموزان با مدارس می باشد یعنی حدوداً صد در صد مدیران مدارس همکاری والدین را در مدرسه موثر ومفید می دانند وحتى هیچکدام از شرکت کنندگان در آزمون بطور تقریبی هم نظر نداده اند. جدول شماره ۱ موضوع را روشنتر می کند.

گزینه	کاملاً موافقم	موافقم	تقریباً موافقم	مخالقم	آمار
فراوانی پاسخ	۳۰	۱۰	-	-	-
درصد	۷۵	۲۵	-	-	-

جدول شماره ۱: میزان موافقت مدیران با همکاری والدی نبا مدارس

در مورد سؤال ۲، شما همکاری والدین را در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان تا چه میزان می بینید؟
جوابهای داده شده بدین شرح می باشد. ۱۲ نفر خیلی خوب، ۱۲ نفر خوب، ۱۰ نفر نسبتاً خوب و ۶ نفر ضعیف که به ترتیب ۳۰ درصد، ۳۰ درصد، ۲۵ درصد و ۱۵ درصد می باشد جدول شماره ۲ وضعیت پاسخها را نشان می دهد.
جدول شماره ۲: نظر مدیران در مورد میزان همکاری والدین در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان.

گزینه	خیلی خوب	خوب	نسبتاً خوب	ضعیف
آمار				
فراوانی	۱۲	۱۲	۱۰	۶
درصد	۳۰	۳۰	۲۵	۱۵

لازم به توضیح است معمولاً کسانی که درجه ضعیف را علامت زده اند یا کلاس آموزش خانواده در طول سال تحصیلی تشکیل ندهد یا تعداد دفعات این کلاسها کم بوده است. که خود بیانگر میزان تاثیر کلاس آموزش خانواده در مدارس می باشد و بنا به توضیح یکی از شرکت کنندگان میزان علاقه و تلاش مدیر مدرسه می توان تاثیر بسیار زیادی در هر چه مردمی تر کردن مدارس و کم کردن فاصله خانه و مدرسه از نظر دیدگاهها و همکاری بین این دو نهاد بسیار مهم داشته باشد. زیرا این دو نهاد از بنیادی ترین و اساسی ترین پایگاهها برای ساختن جامعه بزرگتر می باشند. فراغت و همکاری نزدیکان در نهاد می تواند آینده درخشانی را برای افراد تضمین کند و یا بر عکس زیرا شخصیت افراد در این دوران است که شکل می گیرد و وقتی فرد به مرحله بزرگسالی رسید و به بازار کار وارد شد شخصیتش غیر قابل تغییر است.

در جواب این پرسش که: والدین چگونه با مدرسه در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان همکاری می کنند؟ فقط یکی از آزمودنیها یعنی ۲/۵ درصد از شرکت کنندگان گزینه داوطلبانه و مستمر را علامت زده است. و تعداد ۵ نفر یعنی ۱۲/۵ درصد گزینه داوطلبانه و گاهگاه را انتخاب نموده و ۸ نفر یعنی ۲۰ درصد گزینه پس از درخواست مدرسه تا حل کامل مشکل را مشخص نموده اند و ۲۶ نفر یعنی ۶۵ درصد گزینه پس از درخواست مدرسه انهم یکبار پس از هر دعوتنامه به مدرسه را بیان نموده اند. این خود گویای این حقیقت است که مدیران مدارس می توانند در میزان همکاری والدین تاثیر فراوانی داشته باشند زیرا درصد بالایی (۶۵ درصد) از آزمودنیها این نظر را تأیید نموده اند که خود مورد ... این بیت است که:

تا نگرید طفل کی نوشد لبن تانبارد ابرکی خند چمن

اگر مدیران مدارس والدین را بیشتر به مدرسه دعوت کنند و از آنان بخواهند که در حد توان خود با مدرسه همکاری نموده و در شناسایی روحیات و اخلاقیات فرزندان خود به مربیان کمک کنند. این همکاری می تواند مشکل ترین گروهها را از سر راه تعلیم و تربیت دانش آموزان باز نماید. اطلاعات فوق الذکر در جدول شماره ۳ بیان شده است.
جدول شماره ۳: چگونگی همکاری والدین با مدرسه از نظر مدیران.

گزینه	داوطلبانه و بطور مستمر	پس از درخواست مدرسه تا حل کامل مشکل	داوطلبانه و آگاهانه	پس از درخواست مدرسه انهم یکبار پس از دعوتنامه
آمار				
فراوانی	۱	۸	۵	۲۶
درصد	۲/۵	۲۰	۱۲/۵	۶۵

در پاسخ به سؤال: شما کلاس آموزش خانواده را در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان تا چه حد مفید می دانی؟
با گزینه خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم، تعداد ۸ نفر یعنی ۲۰ درصد از شرکت کنندگان گزینه خیلی زیاد و ۱۷ نفر یعنی ۴۲/۵ درصد گزینه زیاد و ۱۲ نفر یعنی ۳۰ درصد گزینه کم را و فقط ۳ نفر یعنی ۷/۵ درصد گزینه خیلی کم را مشخص نموده اند. که در مجموع ۶۲/۵ درصد در مفید بودن این کلاسها تردیدی ندارند. که بیانگر ارزش تشکیل این کلاسها می باشد و جالب اینجاست که ۳ نفری که جواب خیلی کم را علامت زده اند از کسانی هستند که تا کنون در مدرسه خود کلاس آموزش خانواده

تشکیل ندهد و کسانی که میزان مفید بودن این کلاسها را کم تلقی نموده اند خود در تشکیل کلاسهای مورد نظر چندان جدی نبوده یا تعداد جلسات آنان کمتر از بقیه بوده است و یا با توجهاتی چون مربی مجرب نبوده یا والدین استقبال نمی کنند از تشکیل آن خود را خلاص نموده اند جدول ۴ مورد فوق را بهتر بیان می کند.

جدول شماره ۴: میزان مفید بودن کلاسهای آموزشی خانواده از نظر مدیران.

گزینه	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم
آمار				
فراوانی	۸	۱۷	۱۲	۳
درصد	۲۰	۴۲/۵	۳۰	۷/۵

در جواب به سؤال: میزان همکاری والدین در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان را تا چه حد مؤثر می دانید؟ تعداد ۱۶ نفر از آزمودنیها یعنی ۴۰ درصد از آنان گزینه خیلی زیاد و ۱۴ نفر یعنی ۳۵ درصد آنان گزینه زیاد و ۸ نفر یعنی ۲۰ درصد گزینه کم و فقط ۲ نفر یعنی ۵ درصد گزینه خیلی کم را علامت زده اند.

۵ درصد اخیر همان کسانی هستند که کلاس آموزش خانواده نداشته اند و در بررسی سؤال نیز درباره آنها اشاره ای شد. در اینجا نیز حدود ۳۰ نفر یا به عبارت دیگر ۷۵ درصد در مؤثر بودن همکاری والدین نظر مساعد داشته اند که خود مؤید نتیجه سؤال قبل است. (مفید بودن کلاس آموزش خانواده).

جدول شماره ۵ موضوع را روشنتر می کند.

جدول شماره ۵: میزان مؤثر بودن همکاری والدین در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان از نظر مدیران.

گزینه	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم
آمار				
فراوانی	۱۶	۱۴	۸	۲
درصد	۴۰	۳۵	۲۰	۵

در پاسخ به سؤال: نظر شما در مورد اینکه کلاسهای آموزش خانواده باعث افزایش همکاری والدین در حل مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان می شود چیست؟

تعداد ۱۵ نفر گزینه کاملا موافقم یعنی ۳۷/۵ درصد از آزمودنیها تعداد ۱۸ نفر یعنی ۴۵ درصد از آنان گزینه موافقم و ۷ نفر یعنی ۱۷/۵ درصد گزینه تقریبا موافقم را انتخاب نموده اند و هیچکدام گزینه مخالفم را انتخاب ننموده است. وچنانکه مشخص است عموما تشکیل کلاسهای آموزش خانواده را در افزایش همکاری والدین در حل مشکلات دانش آموزان با مدرسه مفید دانسته اند. و ۷ نفری که با تردید موافقت خود را اعلام نموده اند چنانچه قبلا هم اشاره شد معمولا از کسانی هستند که یا کلاس آموزش خانواده نداشته اند و یا به تعداد محدودی و چه بسا آنها هم واقعا کلاس آموزش خانواده نبوده بلکه مجمع عمومی جهت انتخاب اعضاء انجمن اولیاء و مربیان به این عنوان تلقی نموده اند و یا دعوت از والدین جهت ارائه پیش کارنامه نوبت اول و دوم امتحانات را بعنوان کلاس آموزش خانواده قلمداد کرده باشند.

جدول شماره ۶ خلاصه مطالب فوق را نشان می دهد.

جدول شماره ۶: نظر مدیران در مورد تأثیر کلاسهای آموزش خانواده در افزایش میزان همکاری والدین.

گزینه	کاملا موافقم	موافقم	تقریبا موافقم	مخالفم
آمار				
فراوانی	۱۵	۱۸	۷	—
درصد	۳۷/۵	۴۵	۱۷/۵	—

در پاسخ به سؤال: به نظر شما والدین از کلاسهای آموزش خانواده تا چه اندازه استقبال می کنند؟

تعداد ۴ نفر خیلی زیاد و ۸ نفر گزینه زیاد و ۱۴ نفر یعنی ۳۵ درصد متوسط و ۱۴ نفر یعنی ۳۵ درصد نیز گزینه کم را بیان داشته اند گرچه تعداد کسانی که گزینه کم را مشخص نموده اند تقریباً رقم بالایی است ولی در کل ۲۶ نفر یعنی ۶۵ درصد والدین از متوسط به بالا می دانند. البته با توجه به اینکه حرکت تشکیل کلاسهای آموزش خانواده یک حرکت جدید می باشد امید می رود که در چند سال آینده با همت مدیران و مسئولان و رسانه های گروهی میزان این استقبال بیشتر شود ولی آنچه مهم است میزان علاقه مدیران مدارس و ایجاد عوامل انگیزش توسط آنان برای جلب نظر والدین به چنین کلاسهایی می تواند این مشکل را حل کند. البته عامل دیگری که در این مورد حائز اهمیت است فرهنگ و میزان آگاهی والدین است که باعث حضور و یا عدم حضور آنان در چنین کلاسهایی می شود. معمولاً والدینی که آگاهی بیشتری دارند به سرنوشت آینده فرزندان خود بیشتر نظر دارند لذا بیشتر در این کلاسها شرکت می کنند.

جدول شماره ۷. آمار و ارقام این پرسش را نشان می دهد.

جدول شماره ۷: میزان استقبال والدین از کلاس آموزش خانواده از نظر مدیران.

گزینه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
آمار				
فراوانی	۴	۸	۱۴	۱۴
درصد	۱۰	۲۰	۳۵	۳۵

در مورد سؤال: اگر والدین در کلاسهای آموزش خانواده شرکت نمی کنند علت را در چه می دانند؟

جوابهای داده شده به شرح جدول ۸ در زیر می باشد.

جدول شماره ۸: نظر مدیران در مورد علت عدم شرکت والدین در کلاس آموزش خانواده.

گزینه	بی سواد و عدم آگاهی از تاثیرات مثبت آن	بدلیل اشتغال کاری و نداشتن فرصت کافی	برخورد نامناسب کارکنان مدرسه یا والدین	زیرا هنوز وجه نقدی می رود
آمار				
فراوانی	۲۵	۱۰	—	۵
درصد	۶۲/۵	۲۵	—	۱۲/۵

چنانچه در جدول شماره ۸ مشاهده می شود ۲۵ نفر یعنی ۶۲/۵ درصد از آزمودنیها بی سواد و عدم آگاهی از تاثیرات مثبت کلاسهای آموزش خانواده را بیان نموده اند و این حقیقتی است که اکثر والدین دانش آموزان ناحیه مورد تحقیق افرادی بی سواد و یا کم سواد هستند و به دلایل مسائل اقتصادی و عدم آگاهی توجه چندانی به وضعیت تحصیلی فرزندان خود ندارند. و فقط در اوایل سال تحصیلی به یکی از مدارس مراجعه و فرزندان خود را ثبت نام می کنند و تا پایان سال هم به او کاری ندارند و اگر از طرف مدرسه هم دعوتنامه به منزل رفت می گویند فرصت نداشتیم تعداد ۱۰ نفر یعنی ۲۵ درصد از شرکت کنندگان علت را در اشتغال کاری و نداشتن فرصت کافی دانسته اند و ۵ نفر دیگر یعنی ۱۲/۵ درصد اعلام داشته اند آنان تصور می کنند در این کلاسها از آنان درخواست وجه نقدی می شود و خوشبختانه هیچکس برخورد نامناسب کارکنان مدرسه با والدین را علت عدم شرکت در این کلاسها ندانسته اند.

در مورد ۱۰ نفر که اشتغال از افراد جامعه که در پائین ترین مرحله این نیازها یعنی زیاد فیزیولوژیک می باشد و یا حداکثر به مرحله تامین امنیت رسیده باشند امکان درک و تامین آینده خوب برای فرزندان خود را ندارند. در مورد گزینه برخورد نامناسب کارکنان مدرسه که هیچ موردی نداشت واضح است که قشر فرهنگی که در جهت جامعه پذیر کردن فرزندان جامعه قدم بر می دارند می بایست خود در برخورد با دیگران الگویی عملی باشند و از طرفی چه بسا این تعصب مدیران بر کارکنان مدرسه خود باشد که موردی در این گزینه وجود نداشته که در این صورت خود می تواند عامل خطایی در نتیجه این تحقیق باشد.

در مورد این سؤال که : تا چه اندازه از نظروالدین در برنامه ریزیهای آموزشی استفاده می برند؟ تعداد ۳ نفر از آزمودنیها در این مورد گزینه زیاد را علامت زده اند. به نظر می رسد این مدیران در مدارس مشغول به کارند که فرزندان طبقات بالای جامعه از نظر فرهنگی و بخصوص فرهنگیان در این مدارس مشغول به تحصیل می باشند زیرا در منطقه مورد تحقیق برخی از والدین بی سواد هستند و موقعیت همکاری آن هم در برنامه ریزی مدرسه را ندارند و معمولاً اظهار نظرها و پیشنهادات بیشتر از طرف فرهنگیان که فرزند آنان در مدرسه تحصیل می کند به مدیران ارائه می گردد. تعداد ۱۵ نفر گزینه متوسط را بیان نموده اند یعنی ۳۷/۵ درصد از آزمودنیها که همکاری این افراد معمولاً در تغییر شخصیت فرزندان خود با توجه به اوقات کاری و شغل خود و یا پیشنهاد تشکیل کلاسهای تقویتی ضمن سال و یا فوق برنامه می باشد. تعداد ۱۵ نفر یعنی ۳۷/۵ درصد نیز اظهار داشته اند که از نظر والدین در برنامه ریزی کم استفاده می کنند و تعداد ۷ نفر یعنی ۱۷/۵ درصد اعلام داشته اند که هیچ گاه از نظر والدین در برنامه ریزی استفاده نمی کنند که این افراد یا در مناطق محروم فرهنگی مدیر مدرسه می باشند و یا تمایلی به دخالت دیگران در انجام وظایفشان ندارند. که این خود می تواند یا بدلیل غرور و خود خواهی این مدیران باشد و یا بالا بودن سطح تخصص آنان که نظر دیگران را به دلیل عدم صلاحیت تخصصی موجه نمی دانند. و یا اینکه دچار کبر و غرور کاذب می باشند. موارد فوق بطور خلاصه در جدول شماره ۹ نشان داده شده است.

جدول شماره ۹ : میزان استفاده مدیران از نظر والدین در برنامه ریزی آموزشی.

گزینه	زیاد	متوسط	کم	هیچگاه
آمار				
فراوانی	۳	۱۵	۱۵	۷
درصد	۷/۵	۳۷/۵	۳۷/۵	۱۷/۵

در جواب سؤال : آیا شما در سال جاری کلاس آموزش خانواده در مدرسه انجام داده اید ؟ تعداد ۳۶ نفر یعنی ۱۰ درصد از آزمودنیها جواب بلی داده اند که از این تعداد نیز ۲ نفر تعداد جلسات را یکبار ذکر کرده اند که به نظر می رسد این افراد جلسه مجمع عمومی جهت انتخاب اعضاء انجمن اولیاء و مربیان مدرسه را بعنوان کلاس آموزش خانواده تلقی نموده اند. به نظر می رسد که با توجه به اینکه بعضی از مدارس دو شیفت می باشند مدیر مدرسه برای هر دو شیفت به طور جداگانه تشکیل کلاس آموزش خانواده داده باشد. تعداد ۴ نفر یعنی ۱۰ درصد جواب خیر داده اند و اظهار نموده اند که در طول سال تحصیلی جاری کلاس آموزش خانواده تشکیل نداده اند. که علت آن این است که این مدیران خود رغبتی در این مورد نشان نمی دهند .

جدول شماره ۱۰ : نظر مدیران در مورد تشکیل یا عدم تشکیل کلاس آموزش خانواده در سال جاری.

گزینه	بلی	خیر
آمار		
فراوانی	۳۶	۶
درصد	۹۰	۱۰

در مورد سؤال : چند درصد از والدین در کلاس آموزش خانواده شرکت کرده اند ؟ تعداد ۳ نفر گزینه بیش از ۷۰ درصد را و ۶ نفر یعنی ۱۵ درصد شرکت کنندگان گزینه بین ۵۰ تا ۷۰ درصد و ۱۲ نفر یعنی ۳۰ درصد از آنان گزینه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد و ۱۵ نفر گزینه کمتر از ۳۰ درصد را بیان داشته اند و ۴ نفر دیگر از شرکت کنندگان جوابی در آن مورد ارائه نداده اند و در واقع این همان ۴ نفری است که در بررسی سؤالات قبل نیز وضعیت آنها توضیح داده شد.

دو نفر که اصلاً کلاس تشکیل نداده بودند و دو نفر دیگر نیز فقط یکبار دعوت از والدین داشته اند. در کل شرکت کنندگان در کلاسهای آموزش خانواده چندان رضایت بخش نمی باشد. و به مدیران است که شرایطی را ایجاد کنند که باعث شرکت هر چه بیشتر والدین در چنین کلاسهایی شوند. زیرا در این مورد فقط آنان هستند که بار مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان بر

دوشان سنگینی می کند. نیز نمی توان مسئولیت عدم شرکت یا مراجعه والدین به مدرسه را بر دوش خودشان انداخت. زیرا خیلی از والدین چه بسا به اهمیت این مسئله واقف نیستند و لذا مسئولیتی را هم احساس نمی کنند. لذا به مدیران لازم و واجب است که انگیزه شرکت بیشتر والدین در این کلاسها را ایجاد نمایند. جدول شماره ۱۱ تعداد جوابهای داده شده به هر گزینه را نشان میدهد.

جدول شماره ۱۱ : درصد شرکت والدین در کلاس آموزش خانواده.

گزینه	بیش از ۷۰	بین ۵۰ تا ۷۰ درصد	بین ۳۰ تا ۵۰ درصد	کمتر از ۳۰ درصد
آمار	درصد	۶	۱۲	۱۵
فراوانی	۳	۶	۱۲	۱۵
درصد	۷/۵	۱۵	۳۰	۳۷/۵

در مورد سؤال : شرکت کنندگان در کلاسهای آموزشی خانواده چه گروهی از والدین می باشند ؟
تعداد ۱۲ نفر یعنی ۳۰ درصد از شرکت کنندگان گزینه بیشتر والدین با سواد و ۹ نفر یعنی ۲۲/۵ درصد گزینه بیشتر والدین بی سواد و کم سواد و تعداد ۱۹ نفر هر دو گروه با سواد و بی سواد و کم سواد به یک نسبت شرکت می کنند انتخاب نموده اند که ۴۷/۵ درصد چنین نظری را داشته اند.

اگر این ۱۹ نفر را بدلیل رعایت در شرکت نادیده بگیریم می بینیم که از افراد باقیمانده به حضور افراد با سواد در این کلاسها اشاره کرده اند و چنانکه قبلا نیز ذکر شد معمولا افراد آگاه و با سواد احساس مسئولیت بیشتری می کنند.
تا افراد بی سواد و کم سواد و از گزینه آخر نیز نتیجه می گیریم که اگر مدیران مدارس همت می توانند میزبان همه اقشار از والدین دانش آموزان باشند اطلاعات فوق الذکر در جدول شماره ۱۲ جمع بندی شده است.

جدول شماره ۱۲ : شرکت کنندگان در کلاسهای آموزش خانواده چه گروهی از والدین می باشند ؟

گزینه	بیشتر والدین با سواد	بیشتر والدین بی سواد و کم سواد	هر دو گروه به یک نسبت شرکت می کنند
آمار	۱۲	۹	۱۹
فراوانی	۱۲	۹	۱۹
درصد	۳۰	۲۲/۵	۴۷/۵

در پاسخ به سؤال : آیا تا کنون از والدین دانش آموزان دعوت بعمل آمده که آنها حاضر به همکاری با شما نشده باشند؟
تعداد ۱۰ نفر یعنی ۲۵ درصد از آزمودنیها گزینه غالبا و ۱۶ نفر دیگر یعنی ۴۰ درصد گزینه گاهی و ۸ نفر یعنی ۲۰ درصد گزینه ندرتا و ۶ نفر یعنی ۱۵ درصد گزینه هیچگاه را بیان داشتند. چنانچه از جوابها استنباط می شود حدود ۲۵ درصد از مدیران اظهار دانشته اند که غالبا از والدین دعوت بعمل آمده و آنان اجابت نکرده اند. همانطور که در تجربه ثابت شده چه بسا ممکن است این مدعوین کسانی باشند که مدرسه را تحول می پندارند و همکاری با مدرسه را دخالت در امور مدرسه و دور از صلاحیت خود احساس می کنند و یا هر برداشت غلط دیگری که ممکن است بشود.

عده ای از والدین بی سواد تصور می کنند اگر مدرسه آنان را دعوت می کند حتما فرزند انشان خطائی را مرتکب شده اند و می خواهند او را در این مورد بازخواست کنند لذا اکثر کسانی که دعوت مدیران را پاسخ نمی گویند معمولا از طبقه بی سواد و اگر جسارت نشده باشد نا آگاه جامعه می باشند و معمولا افراد با سواد اگر هم گرفتاری داشته باشند که نتوانند شرکت کنند حتما تلفنی مدرسه را در جریان قرار داده و عذر خواهی می کنند.

جدول شماره ۱۳ اطلاعات مربوط به این سؤال را نشان می دهد.

جدول شماره ۱۳: آیا تا کنون از والدین دعوت بعمل آمده که حاضر به همکاری نشده باشند؟

گزینه	غالباً	گاهگاهی	ندرتاً	هیچگاه
آمار				
فراوانی	۱۰	۱۶	۸	۶
درصد	۲۵	۴۰	۲۰	۱۵

در جواب سؤال: والدین دوست دارند در کلاسهای آموزشی خانواده بیشتر چه مسائلی به آنها آموزش داده شود؟ تعداد ۲۰ نفر یعنی ۵۰ درصد آزمودنیها گزینه شیوه تربیت فرزندان و ۴ نفر یعنی ۱۰ درصد شرکت کنندگان گزینه تعلیم و تربیت اسلامی و ۱۵ نفر یعنی ۳۷/۵ درصد گزینه در اصلاح رفتار فرزندان و یک نفر یعنی ۲/۵ درصد گزینه ترکیبی از سه مورد را بیان داشته اند.

درصد بالایی یعنی ۵۰ درصد انتخاب شیوه تربیت فرزندان بدین جهت است که بیشتر مشکلات رفتاری دانش آموزان ریشه در نحوه تربیت آنان دارند و از طرفی چه بسا با این دید که شیوه خانه و مدرسه را در حد امکان نمزدیکتر کنند تا باعث ایجاد تعارض برای دانش آموزان نگردد و از طرفی وظیفه مدرسه در این بعد بیشتر می چربد زیرا در رابطه با آموزش تعلیم و تربیت اسلامی والدین بیشتر چنین فکر می کنند که در مساجد و مجالس و وعظ و اندرز راجع به مسائل شرعی و اسلامی صحبت می شود لذا تا حدودی خود را از آن جهت بی نیاز احساس می کنند.

بعدها شیوه تربیت فرزندان گزینه اصلاح رفتار فرزندان نیز بیشتر درصد را به خود اختصاص داده است و این رفتارهای ناخواسته را از خود بروز می دهند که بدین تربیت احساس نیاز به آموزش اصلاح رفتار فرزندان را سرعت بیشتری می دهند یعنی ۳۷/۵ درصد از شرکت کنندگان.

جدول شماره ۱۴: اطلاعات آماری مذکور را نشان می دهد.

جدول شماره ۱۴: والدین دوست دارند در کلاسهای آموزش خانواده بیشتر چه مسائلی به آنها آموزش داده شود؟

گزینه	شیوه تربیت فرزندان	تعلیم و تربیت اسلامی	اصلاح رفتار فرزندان	ترکیبی از هر سه
آمار				
فراوانی	۲۰	۴	۱۵	۱
درصد	۵۰	۱۰	۳۷/۵	۲/۵

در مورد سؤال: هنگام بروز شکل تربیتی دانش آموزان والدین علت بروز مشکل را چه می دانند؟

تعداد ۱۵ نفر یعنی ۳۷/۵ درصد شرکت کنندگان گزینه از خود دانش آموزان و ۳ نفر یعنی ۷/۵ درصد آنان گزینه از خانواده و تعداد ۲۲ نفر یعنی ۵۵ درصد آزمودنیها گزینه از همکلاسیها و گزینه از نحوه برخورد اولیاء مدرسه را هیچکس بیان نداشته است.

از این اطلاعات چنین بر می آید که بیشترین درصد به تاثیر در دانش آموزان اشاره دارد و این بدیهی است که تاثیر گروه همسالان بسیار زیاد است بخصوص بصورت گروههای غیر رسمی در کلاس و مدرسه بالا خص زمانی که به علیه مقررات مدرسه و خواسته های مربیان باشد می تواند تاثیرات منفی بیشتری را بر دیگران داشته باشد و این می تواند منبع و منشأ خیلی از رفتارهای ناسازگار را نه باشد و حتی باعث مختل شدن زحمات معلمان و مربیان در آموزشگاه باشد. در چنین مواردی مربیان و آگاه این نوع رفتارهای گروهی دانش آموزان را در جهت اهداف مدرسه قرار داده و بیشترین بهر را نصیب آنان می کنند. و جالب اینجاست که هیچکدام از افراد مورد تحقیق گزینه در نحوه برخورد اولیا مدرسه را بروز مشکلات دانش آموزان مؤثر نداشته اند. زیرا رسالت مدرسه ایجاد رفتارهای شایسته در دانش آموزان است.

چنانکه آنان بتوانند در جامعه فردا از نظر فردی رفتاری مطلوب از خود بروز دهند و هم بتوانند در جامعه افرادی مطلوب برای جامعه باشند. وبدیهی است که معلمان نباید در جهت خلاف رسالت خود گام بر دارند و خدای ناخواسته منشاء رفتار خلافی در دانش آموزان گردند داده های آماری مربوط به سؤال مورد بحث در جدول شماره ۱۵ آمده است.

جدول شماره ۱۵ : علت بروز مشکلات تربیتی دانش آموزان را از نظر والدین در چه می دانند ؟

گزینه	از خود دانش آموزان	از همکلاسیها	از خانواده	از نحوه برخورد اولیاء مدرسه
آمار				
فراوانی	۱۵	۲۲	۳	—
درصد	۳۷/۵	۵۵	۷/۵	—

در رابطه با سؤال : نوع مشکلات تربیتی دانش آموزان را بیشتر کدامیک از موارد زیر می دانید ؟

تعداد ۱۲ نفر یعنی ۳۰ درصد شرکت کنندگان گزینه مشکلات درسی و آموزشی و تعداد ۶ نفر یعنی ۱۵ درصد در مشکل اخلاقی و ۱۲ نفر یعنی ۳۰ درصد گزینه مشکل خانوادگی و روابط والدین و ۱۰ نفر یعنی ۲۵ درصد داشتن دوستان ناباب را بیان نموده اند که در جدول شماره ۱۶ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۶ : نوع مشکلات تربیتی دانش آموزان از نظر مدیران.

گزینه	مشکلات درسی	مشکل اخلاقی	مشکل خانوادگی	داشتن دوستان
آمار	آموزشی		وروابط والدین	ناباب
فراوانی	۱۲	۶	۱۲	۱۰
درصد	۳۰	۱۵	۳۰	۲۵

در مورد مشکلات درسی و آموزشی عوامل مختلفی می تواند مؤثر باشد خانواده نحوه تدریس کتب درسی و وسایل کمک آموزشی و خیلی عوامل دیگر. لذا بخشی از این مشکلات به مدرسه بر می گردد در این مورد معلمان باید در نحوه تدریس خود تجدید نظر کنند تا اگر چنانچه اشکالی در نحوه تدریس آنان باشد دفع گردد. اگر اشکالی در کتب درسی است به سازمان کتب درسی پیشنهاد در رفع اشکال دهند. تا حداقل مشکلاتی که رفع آنها در توان مدرسه است کمتر گردد. اگر مربوط به ضعف هوش باشد که در این مورد متأسفانه فعلا تست استاندارد می تواند این مشکل را مشخص کند وجود ندارد و بدین دلیل در مدارس ما اکثر افراد با تکرار پایه تحصیلی بر مشکلات خود خانواده و نیز مدرسه می افزایند و چون شناسایی هم نشده اند و با توجه به تعصب نا آگاهانه والدین چنین اشخاصی هدایت آنان به مراکز استثنائی نیز غیر ممکن جلوه می کند.

در مورد مشکلات اخلاقی نیز تاثیر منفی فیلمهای مبتذل ویدئویی مهمترین عامل می باشد که والدین باید توجه بیشتری به این مسائل داشته باشند.

در رابطه با مشکلات ناشی از روابط بین پدر و مادر نیز تا حدودی توسط مدیران مدارس و دیگر کارکنان آن وبخصوص کلاسهای آموزش خانواده می تواند حل گردد.

چنانکه قبلا هم ذکر شد تاثیر رفتار دوستان و همسالان در کودکان و نوجوانان بسیار است لذا باید سعی شود دوست آنان را شناخت و سعی نمود که حداقل اولاً از الگو بودن برای افراد صالح منع کرد و رفتار ناشایستش را اصلاح کرد.

در مورد سؤال : ترجیح می دهید چه مسائلی در کلاسهای آموزشی خانواده مطرح گردد ؟

جوابها به شرح جدول شماره ۱۷ می باشد که توضیحات آن خواهد گذشت.

جدول شماره ۱۷: مسائلی که از نظر مدیران در کلاس آموزش خانواده باید مطرح شود.

گزینه	نحوه برخورد والدین	مسائل رشدی	آگاه کردن والدین	آمیخته ای از
آمار	با فرزندان	دانش آموزان	از عوامل بازدارنده	موارد فوق
فراوانی	۴	۳	۲	۳۱
درصد	۱۰	۷/۵	۵	۷۷/۵

چنانکه از جدول شماره ۱۷ مشخص می شود اکثریت قریب به اتفاق آزمودنیها یعنی ۳۱ نفر از ۴۰ نفر شرکت کننده به عبارت دیگر ۷۷/۵ درصد از آنان اعتقاد دارند که ترکیبی از موضوعهای نمونه برخورد والدین با فرزندان مسائل رشدی دانش آموزان و آگاه کردن والدین از عوامل بازدارنده و منحرف کننده در کلاسهای آموزش خانواده مطرح شود هر کدام از موارد مذکور به تنهایی درصد کمی را به خود اختصاص داده اند. لذا به مسئولین آموزش و پرورش لازم است که با یک برنامه ریزی صحیح موضوعهایی را که نیاز به مطرح شدن آنها در این کلاس می باشد جمع بندی نموده و توسط استادان مجرب و آگاه به مسائل تربیتی در حل این مشکلات قدم بردارند و مطالب را چنان ارائه دهند که برای همه کس قابل فهم باشد.

زیرا پدران و مادران بی سواد و کم سواد که نهایتا تلاششان این است که شکم فرزند خود را سرکنند چگونه و کی می توانند با ایما و اشاره عوامل بازدارنده و منحرف کننده ای را که سرراه فرزندانشان میباشد شناسایی کنند و در رفع آن بکوشند. البته جای تاسف است که عده ای از آگاهان فرهنگی نیز دیده شده که اظهار می کنند مسائل روانشناسی تربیتی فقط برای پرکردن کتاب است.

در جواب سؤال: شما کلاس آموزش خانواده را هر چند مدت یکبار کافی می دانید؟

جوابهای داده شده در جدول شماره ۱۸ خلاصه شده است.

جدول شماره ۱۸: مدت زمان کافی برای کلاس آموزش خانواده از نظر مدیران.

گزینه	هفته ای یکبار	دو هفته ای یکبار	هر ماه یکبار	هر سه ماه یکبار
آمار				
فراوانی	—	۳	۳۲	۵
درصد	—	۷/۵	۸۰	۱۲/۵

چنانکه در جدول ۱۸ می بینیم ۳۲ نفر یعنی ۸۰ درصد از شرکت کنندگان در آزمون کلاس آموزش خانواده را ماهی یکبار کافی می دانند و ۵ نفر یعنی ۱۲/۵ درصد نیز هر سه ماه یکبار را کافی دانسته اند که این نظر تقریبا با توجه به فاصله ای که بین جلسات خواهد افتاد دیگر اسم کلاس برای آن مناسب نخواهد بود زیرا ارتباط بین مباحث ایجاد نخواهد شد و هر دو هفته یکبار نیز که توسط ۳ نفر یعنی ۷/۵ درصد شرکت کنندگان اعلام شده نیز بدلیل دست و پاگیر بودن این کلاسها در مدت زمان کوتاه دو هفته یکبار و با توجه به وظایف عدیده مدیران و نیز حذف دو ساعت کلاسی در هر دو هفته چندان مناسب به نظر نمی رسد. لذا با توجه به اتفاق نظر ۸۰ درصد از شرکت کنندگان هر یکماه برای تشکیل این کلاسها مناسب تر خواهد بود.

در جواب سرال: به نظر شماریشه مشکلات تربیتی یا اخلاقی دانش آموزان را ناشی از چه می دانید؟

از ۴۰ نفر افراد مورد تحقیق ۱۸ نفر یعنی ۴۵ درصد از آنان گزینه تاثیر والگو پذیری از برنامه های ماهواره ای را عامل مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان دانسته اند که فرهنگ غرب را اشاعه می دهند و متاسفانه در برخی منازل به این برنامه ها توجه می شود و همانطور که می دانیم هدف از این برنامه ها مبارزه فرهنگی غرب بر علیه اسلام و مسلمین است. در شرایط امروز رسانه های گروهی در محبن ایجاد مبانی فکری و اعتقادی و نیز در تغییر رفتار کودکان و نوجوانان نقش موثر دارند. این نقش گاهی سازنده است و گاهی مخرب.

۶ نفر یعنی ۱۵ درصد از آزمودنیها عامل مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان را استفاده از فیلمهای ویدئویی می دانند و تعداد ۲ نفر یعنی ۵ درصد نیز به عکسهای مبتدل بعنوان ریشه مشکلات اشاره کرده اند. پوششهای نا صحیح نیز عامل دیگری است که توسط ۶ نفر یعنی ۱۵ نفر از آزمودنیها بیان شده که خود نیز متاسفانه از برنامه های ویدئویی و ماهواره ای می باشد. تعداد ۸ نفر یعنی ۲۰ درصد از آنان ترکیبی از عوامل فوق الذکر را عامل مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان دانسته اند. جدول شماره ۱۹ داده های آماری فوق الذکر را نشان می دهد.

جدول شماره ۱۹: نظر مدیران راجع به ریشه مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان از نظر والدین آنان.

گزینه	تاثیر الگو پذیری از برنامه های ماهواره ای	عکسهای مبتدل	مدلهای پوششی موارد	ترکیبی از همه موارد	استفاده از فیلمهای ویدئویی
آمار	۱۸	۲	۶	۸	۶
فراوانی	۱۸	۲	۶	۸	۶
درصد	۴۵	۵	۱۵	۲۰	۱۵

یافته های پژوهشی

در این تحقیق بر آن بودیم که نظر برخی مدیران مدارس ابتدائی شهرستان خرم آباد را در مورد میزان همکاری والدین با مدارس جهت رفع مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان را بررسی و از نظرات آنان در این راستا استفاده کرده و از استنتاج راه حلها و پیشنهادات آنان نتیجه ای موثر را جهت استفاده بیشتر از تجربیات آنان بدست آوریم. همانطور که در بخشهای قبل داشتیم تعداد ۴۰ نفر از مدیران مدارس ابتدائی این شهر در انجام این تحقیق مورد پرسش واقع شوند که عموماً با همکاری والدین با مدرسه در حل مشکلات فرزندان خود موافق بودند اگر چه در همکاری والدین در حد توافق مدیران همکاری نموده اند ولی کسانی که همکاری نزدیک با مدرسه داشته اند. معمولاً در رابطه با وضعیت تحصیلی فرزند خود مشکلات داشته اند. ولی کسانی که همکاری نزدیک با مدرسه داشته اند معمولاً در رابطه با وضعیت تحصیلی فرزند خود مشکلات کمتری را داشته اند. ولی معمولاً همکاری والدین با مدرسه بدنبال درخواست و ارسال دعوت نامه از والدین صورت گرفته استن و کمتر به طور داوطلبانه به مدرسه مراجعه نموده اند. لذا به نظر می رسد که در اینجا مدیران مدارس نقش اول را درمیزان همکاری و مراجعه والدین به مدرسه را دارند بخصوص اینکه برخی والدین افرادی بی سواد و یا کم سواد باشند. در مورد کلاسهای آموزش خانواده لزوم تشکیل آم میزان کافی بودن آن و تاثیراتی که در همکاری والدین دارند صحبتهایی شد. عموم مدیران تاثیر تشکیل این کلاسها را مثبت تلقی کرده اند. در مورد نحوه اجرای آن پیشنهاد کرده اند که از افراد مجرب و آگاه به امور تربیتی استفاده شود. از حدود ۴۰ نفر شرکت کننده فقط دو نفر یعنی ۵ درصد رغبت چندانی به کلاس آموزش خانواده نشان داده اند و بنا به اظهار خودشان در طول سال تحصیلی گذشته هم مبادرت به تشکیل چنین کلاسهایی ننموده اند که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۲۰: میزان توافق مدیران در تشکیل کلاسهای آموزش خانواده.

گزینه	موافق	مخالف
آمار	۳۸	۲
فراوانی	۳۸	۲
درصد	۹۵	۵

آنچه مهم است این است که توافق عمومی در موثر بودن کلاسهای آموزشی خانواده وجود دارد لذا برای افزایش همکاری بیشتر والدین مهمترین راه برگزاری کلاسهای آموزش خانواده است.

هر چه میزان همکاری والدین با مدرسه افزایش یابد مشکلات دانش آموزان کاهش پیدا خواهد کرد و لذا یک رابطه منفی در همکاری والدین و بروز مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان وجود دارد.

یعنی با افزایش همکاری مشکلات کمتر وبا کاهش همکاری مشکلات بیشتر خواهد بود. میزان استقبال والدین از این کلاسها چندان رضایت بخش نبوده است که لازمه آن تبلیغات لازم از طریق رسانه های گروهی بخصوص صدا و سیما تا افکار عمومی را به این جهت ولزوم شرکت در این کلاسها سوق می دهد. زیرا عدم استقبال از طرف اکثر والدینی که بی سواد ویا کم سواد هستند بدلیل عدم آگاهی به لزوم شرکت وهمکاری با مدرسه می باشد ونه چیز دیگر. جدول شماره ۲۱ این موضوع را بهتر روشن می کند.

جدول شماره ۲۱: علت عدم حضور والدین در کلاس آموزش خانواده.

گزینه	بی سوادی وعدم آگاهی از تاثیرات مثبت آن	دلایل دیگر
آمار		
فراوانی	۲۵	۱۵
درصد	۶۲/۵	۳۷/۵

چنانکه در جدول ۲۱ دیده می شود ۶۲/۵ درصد شرکت کنندگان در آزمون علت عدم حضور والدین در کلاس آموزش خانواده را در بی سوادی وعدم آگاهی می بیند که نتیجه ای کاملا عقلانی ودرست است. علاقه والدین به مطرح شدن شیوه تربیت فرزندان ونحوه اصلاح رفتار آنان از نظر مدیران بیانگر عمق نیاز والدین به دادن آگاهی است. زیرا معمولا خانواده هایی که والدین در آنها با سواد وافراد آگاهی هستند فرزندان آنان در مدارس کمترین مشکل را دارا هستند. ونظر مدیران در مدارس نیز این ادعا را تأیید می کند. یعنی ۷۸/۵ درصد از نظرات مدیران مورد آزمون چنانکه در جدول شماره ۲۲ مشخص است این نظر را قبول دارند

جدول شماره ۲۲: مسائل مورد نیاز به طرح در کلاس آموزش خانواده از نظر مدیران.

موضوع قابل طرح	شیوه تربیت فرزندان ونحوه اصلاح رفتار آنان	تعلیم و تربیت و
آمار		
فراوانی	۳۵	۵
درصد	۸۷/۵	۱۲/۵

در مورد بروز مشکلات دانش آموزان علل آن را عده زیادی از آزمودنیها از خود دانش آموزان وهمکلاسیها دانسته اند. جدول شماره ۲۳ اطلاعات مورد نظر را نشان می دهد.

جدول شماره ۲۳: علت بروز مشکلات دانش آموزان از نظر والدین.

علت	از خود دانش آموزان وهمکلاسیها	از خانواده
آمار		
فراوانی	۳۷	۳
درصد	۹۲/۵	۷/۵

چنانکه مشهود است ۹۲/۵ درصد علل در خود دانش آموزان است که در این مورد مسئولیت سنگین مدیران و مربیان مدارس واضح تر جلوه می کند.

نتیجه گیری

همانطور که بر کلیه دست اندر کاران تعلیم و تربیت روشن و واضح است دثر مدارس با مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان بخصوص در مناطق ومحلله های محروم شهر فراوان بوده وبرخیز اوقات تحصیلی را در مدرسه مسئولین مدارس به مسائل مربوط به تعلم وانضباط می پردازند وبدین ترتیب بجای استفاده موثر از این فرصتها در پیشرفت تحصیلی آنان این چنین

فرصتها به هدر می رود لذا بوجود آمدن مشکلات تربیتی اعم از آموزشی ودرسی و تربیتی و اخلاقی در مدارس مسئله ای است که ما را واداشت که این پژوهش را با نواقصات زیاد انجام دهیم .

لذا فرضیه مورد نظر این است که همکاری والدین با مدارس می تواند راه حل اساسی و مهمی در جهت رفع مشکلات تربیتی و یا اخلاقی دانش آموزان باشد.

رابطه مدرسه و خانواده بصورت همکاری متقابل و دو جانبه در خور ملاحظه است. چون از بسیاری خانواده ها هستند که در زمینه تربیت فرزند و مسائل مربوط به آن به کمک فکری و تخصصی نیاز دارند و این کمک جز از طریق مدرسه به چه صورت ممکن است فراهم شود ؟

آنجا که شورای همکاری اولیاء و مربیان بصورت فعال تشکیل می شود شرایط مساعد تربیت و در خانواده سریعتر و سهلتر فراهم می آید دیدگاههای تربیتی مربیان به جامعه نفوذ می کند و مربی از مسائل خاص مربوط به کودکان و نوجوانان آگاه می گردد و در مقابل هر یک واکنش مناسب و راه صحیح جاره جویی را دنبال می کند.

در اهمیت و همکاری جامعه با مدارس همین بس که در آن نظامهای اجتماعی که بعنوان وابسته به مردم و متعلق به مردم شناخته شده و بوسیله آنها اداره می شود موجبات پیشرفت کاملتر و سریعتر فعالیتهای تربیتی فراهم آمده است و به نتیجه و بازده بسیار بهتر تربیتی دست یافته اند. در چگونگی ردیا قبول فرضیه مورد نظر ما پرسشنامه مشتمل بر ۱۹ سوال تستی و ۲ سوال تشریحی نظرات مدیران را جویا شدیم که در این تحقیق ۴۰ نفر از مدیران شرکت داشته و به پرسشنامه جواب دادند. انتخاب ۴۰ نفر بصورت کاملا تصادفی از مقطع ابتدائی بوده است. ۱ نفر از این مدیران دارای مدرک دیپلم و ۱۶ نفر دارای مدرک فوق دیپلم و ۲۱ نفر دارای مدرک لیسانس و ۲ نفر هم با مدرک فوق لیسانس بوده اند.

پس از جمع آوری پرسشنامه ها پاسخ به هر سوال بطور جداگانه بررسی و تجزیه و تحلیل گردید که از مطالب مذکور لزوم همکاری والدین با مدرسه در حل مشکلات تربیتی و اخلاقی دانش آموزان تاثیر و نتیجه گیری و نیز لزوم تشکیل و ارائه کلاسهای آموزش خانواده جهت ارائه اطلاعات و آگاهیهای لازم برای والدین و تاثیر آن در ایجاد همکاری هر چه بیشتر و نزدیکتر خانواده ها با مدرسه در جهت تربیت فرزندان آنان در هر یک ماه یکبار که بنا به نظر مدیران شرکت کننده در تحقیق مورد تایید واقع گردید و به این نتیجه رسیدیم که اجرا و تداوم چنین برنامه هایی همت وسیع تری را طلب می کند از طرفی تلاش جدی مدیران و همکاری دست اندر کاران آموزش و پرورش در رده های بالا تبلیغات از طرف صدا و سیما و رسانه های گروهی و ایجاد جو مناسب انگیز برای شرکت والدین در کلاس های آموزش خانواده و علاقه مند کردن آنان به همکاری بیشتر با مدارس و احساس مسئولیت بیشتر در قبال سرنوشت آینده فرزندان شان می تواند محیط مدارس را به مراکزی فعال و سرزنده تبدیل کند که هم معلم و هم متعلم هر دو در آن احساس آرامش در جهت سازندگی کشور گام بردارند.

فهرست منابع

- ۱- انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران ، مجله پیوند، شماره های ۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳.
- ۲- سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ، تهران ، چاپ دوازدهم با تجدید نظر ، بهار ۱۳۷۲.
- ۳- کریمی ، یوسف، جزوه روانشناسی اجتماعی آموزش و پرورش ، ۱۳۷۲.
- ۴- معیری، محمد طاهر، مسائل آموزش و پرورش ، انتشارات امیر کبیر.
- ۵- مفیدی ، فرخنده ، آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی ، پیام نور.